



با هم رو برو شده بودند بهین تبری که می اندخت فرسید در و بشیر مرید چون فرسید در و تیر اندختی و ابروی  
 نهی بهین خجسته سی و چهل کایک کیشیدی شکفته آنکه چون بهین مندی انداختی فرسید در و نیز تفنگ سردای  
 مهره برهه رسیدی و هر دو سالم ماندند و بهین بنکام مندی انداختی فرسید در و خند مرتبه بعت مکیوشد  
 در سال از اردیبهشت و نه اجری از خضرستان برهان شتافت خواصه خط فرماید هرگز نبرد آنکه دلش زنده شد  
 بعشق مثبت بر جریده عالم دوام ما از شراد سالم زبان است بنو العلوم رسید در ریاضت کشید  
 خوشی گوید دیدم خود منند بارتم نامی از شراد بهرام که از همین شاگردان کیوان است رو برو شده به بیکر از در  
 بر آمد از نفس او تشنه یابیدی و تنومند چار بر ازان دم بخت خود مندی از مرک بهین سینه با غار جاپوست  
 بزرگ فرماید مرد خردمند همیشه را عمرم بابت حق روزگار تا چکا تجربه اموشی با دکری تجربه بردی بکار د  
 از این نامدار سران فلاف عادت در همین جهان چون شهاب پشانیدن و در شب پیدا کردن ستاره بروز سگاس  
 ساختن و در عالم شفا چون ریش بر آب و بارور کردن زمین درخت بنکام و سبز کردن درخت خشک و سجد و شجار و در  
 آستان وزین چون برق و مانند آن نمودن و در کهن جهان چون نقشب پیکر جانور و پشانیدن خود سوار خیم مردم  
 و نمودن به بیکر گوناگون و صورت بسیار نقل کرده اند و شمه ازان در بزمگاه در پیش خوشی است گویند قوت قطع کرده  
 عنصری بدن بمرتبه بود که گاه خواستندی ازین جدا میشدندی و جمیع علوم همسوره و غیره را از زلفه اش فرا گرفته بودند  
 و از این مثل امور عجیبه می نمودند و بقوت ریاضت ماده غامض طاعت ایشان بیکر کردار نامه در تیره این چهار ازاده  
 یعنی خداد و فرسید در و بهین و خود منند را دیده و دعای خیر درباره نامه بکار بجای آوردند و نوید در ایف مقصد  
 دو دند و شیخ سعدی میفرماید سز و صها جدلی روزی بجهت کند در کار درویشان دعا  
 که از شراد گو در ز کثرت او بوجه چون از کیوان به پیشه خوانید در با ز پسین از با خزان بهرام از سر از آمده در تیره ریاضت  
 مشغول شد و اد مدوی بود مرتب منطقیات و طبعیات و ریاضیات و الهیات از پارسی و پهلوی و تازی زبان آنچه  
 نقل افلاک و کما و جنبه سید صبح فرا گرفته و سیکو خوانده و از منقولات و معقولات بر همه دانا و در حکمت نستنی و کردنی خزان  
 در سا و فیلوف بود از سنی نان نسبت شاگردی هوری را بخواجه جمال الدین محمود که از تلامذه ملا جلال دوست بهرام  
 درت کرده کتابش رتسان دانش گلستان پیش پرشته و خزار آورده خزان بهرام است و در شان رتسان که از خزان  
 آورده

۴

او بنده چنین اول شبان بچو اغو انجا مین مانند آغازین و عدد اسیر بنا بر اخبار نبی هم اوده است یا زده تن که ششده در روزهم  
ایشان بیدار و قایم است انبام او ظهور کند و جهانی سو پر کرده اند از داد چنانکه بر شده از جور و ظلم و کونید ابو بکر و عمر و عثمان  
و بنی امیه و عباسیه با یورن خود همه غاصب حق است و همین بودند و شایسته ترین گفتند و بعضی از ایشان کونید که عثمان  
در صنف را سوخته بعضی از روزگار که در شان علی و فضل است سو بر انداخت و یک از ان سو است **م** **سوره قورن**

۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَاءْنَا  
لِنُورِنَیْ أَنْزَلْنَا هَا أَنْعَلِیْكُمْ آیَاتٍ وَ یَحْذِرُ رَبِّکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیْمٍ نُوْرَانٍ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ أَنَا  
لِنُصَبِّحَنَّ عَلَیْکُمْ نُوْرَانٍ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ إِنْ الذِّیْنَ یُؤْفِقُونَ بَعَثْنَا اللهُ وَ سَوَّلَیْهِ فِی الْاِیْه لَهِمْ جَنَّاتُ  
النَّعِیْمِ وَ الذِّیْنَ یُکْفِرُونَ مِنْ بَعْدِ مَا آمَنُوا یَفِضُهُمْ مُنَاقَرَتُهُمْ وَ مَا عَا هَدَاهُمُ الرَّسُوْلَ عَلَیْهِ یَقْدِفُونَ  
فِی الْجَحِیْمِ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ عَصَوْا وَصِیَّ الرَّسُوْلِ اِنْ الذِّیْنَ یَقُوْنَ مِنْ حِیْمِ اِنْ الذِّیْنَ نُوْرَالسَّمَوَاتِ وَ  
الْاَرْضِ بِمَا شَاءَ وَ اصْطَفٰی مِنَ الْمَلَائِکَةِ وَ الرَّسُوْلِ وَ جَعَلَ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَوْلِیَاکَ فِی خَلْقِهِ یَفْعَلُ اللهُ مَا یَشَاءُ  
لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ تَلٰذِرُ الذِّیْنَ مِنْ قَبْلِہُمْ بِرِسَالِہِمْ فَاخَذْتُمْ بِمِکْرٰہِہِمْ اِنْ اَخَذٰی شَدِیْدًا لَہِمْ  
اَللّٰهُ اَهْلَاکَ عَادًا وَ ثَمُوْدَ بِمَا کَسَبُوْا وَ جَعَلٰہُمْ لَکُمْ تَذٰکِرًا اَنْفَلَا سَقُوْنَ وَ فِرْعَوْنَ بِمَا طَغٰی عَلٰی مُوسٰی  
وَ اَخِیْہِ هَارُوْنَ اَغْرَقْتُهُ وَ مَنْ تَبَعَا جَمَعْنٰی لِنُکُوْنَنَّ لَکُمْ اٰیَةً وَاِنْ اَکْثَرْتُمْ فَاَسَقُوْنَ اِنَّ اللّٰهَ بِ  
یُحْشِہُمْ فِی یَوْمِ الْحَشْرِ فَلَا یَسْتَطِیْعُوْنَ الْجَوَابِیْنَ یٰۤاَلُوْنَ اِنْ اَلْحِیْمَ مَا وَاہُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ عَلَیْہُمْ حَکِیْمٌ  
یٰۤاَیُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ اَنْذَارِیْ فَسُوْرَتُ عَلِیْمُوْنَ تَذٰخِرٌ لِّلَّذِیْنَ کَانُوْا عَنِ اٰیَاتِیْ وَ حَکِیْمٌ مَّعْرُوْثُوْنَ مَثَلُ الذِّیْنَ  
یُؤْفِقُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ اِنِّیْ جَزَاؤُہُمْ جَنَّاتُ النَّعِیْمِ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ مَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ عَظِیْمٍ وَاِنَّ عَلَیْہِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ  
وَ اِنَّا لَنُوْقِیْہِ حَقَّہُ یَوْمَ الدِّیْنِ وَ اِنِّیْ عَمَّ ظَلَمِیْنَ بِغَافِلِیْنَ وَاکْرِمِہُ عَلٰی اَهْلِکَ اَجْمَعِیْنَ فَاِنْ ذُرِّیَّتُہِ الصَّ  
بِرُوْنَ وَ اِنَّ عَدُوَّہُمْ اِمَامُ الْمُجْرِمِیْنَ تَلٰ الذِّیْنَ کَفَرُوْا اَعْدَاؤُہُمْ اَسْوَا ظَلَمْتُمْ زِیْنَةَ الْحِیْوَةِ الدُّنْیَا وَ اسْتَحْلَمْتُمْ  
بِهَا نَسِیْتُمْ عَذَابَ اللّٰهِ وَ رَسُوْلَہُ وَ نَقَضْتُمْ الْعَهْدَ مِنْ بَعْدِ تَوْکِیْدِہَا وَ قَدْ ضَرَبْنَا لَکُمُ الْاَمْثَالَ لَعَلَّکُمْ  
تَتَّذَرُّوْنَ یٰۤاَیُّهَا الرَّسُوْلُ تَدَلَّلْنَا اِلَیْکَ اٰیَاتٍ بَیِّنَاتٍ فِیہَا مِنْ یُّوْفِیْہُ مُؤْمِنًا وَ مَنْ یُّوْلٰہُ مِنْ بَعْدِکَ  
یَظْہَرُوْنَ فَاَعْرِضْ عَنْہُمْ اِنَّہُمْ مَّعْرُوْثُوْنَ اِنَّا لَہُمْ مُخَضَّرُوْنَ فِی یَوْمٍ لَا یُغْنِیْ عَنْہُمْ شَبَابٌ وَاَہُمْ بِرَجْحُوْنَ وَاِنَّ لَہُمْ

وَإِنَّ لَهُمْ فِي جَهَنَّمَ مَقَامًا مَّفَاعِنَهُ لَا يَعْلَمُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِنَ الشَّاكِرِينَ وَأَقْدَارَ سَلَامَتِهِ وَهُدًى  
 بِمَا فَضَّلَ جَمِيلًا نَجَعَلْنَا مِنْهُمْ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى وَالْجَنَّةَ الْأَعْلَى وَالْجَنَّةَ الْأَسْفَلَى وَالْجَنَّةَ الْأَسْفَلَى وَالْجَنَّةَ الْأَسْفَلَى  
 أَيْتَانِكَ الْحُكْمَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ مِنَ الْمَسَلِينَ وَجَعَلْنَا لِكُلِّ نَفْسٍ رِزْقًا وَمِنْ يَتَوَلَّى عَنَّا مِنْ قَبْلِكَ  
 فَلْيَسْمَعْ يَكْفُرِيهِمْ فَلْيَلَّا تَسْأَلُ عَنِ الشَّاكِرِينَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ نَدَجَعْنَا لِكَفِّي أَعْنَاقِ الَّذِينَ آمَنُوا هَذَا  
 فَخُذْهُ وَكُن مِنَ الشَّاكِرِينَ إِنَّ عَلَيْنَا فِئْتَانًا يَلْبَسُونَ بِاللَّيْلِ سَاجِدًا تُحَدِّدُ الْعِزَّةَ وَيُجِزُوا ثَوَابًا رَبِّهِمْ قُلْ هَلْ لِي مِنَ  
 الَّذِينَ ظَلَمُوا وَهُمْ يَعْتَدُونَ سَيَجْعَلُ الْأَعْلَى وَهُمْ عَلَى أَعْمَالِهِمْ بِنَدِيمُونَ إِنْ أَنْبَأْتُكَ بِرِزْقِيهِ  
 الضَّالِّحِينَ وَإِنَّهُمْ لَأَمْرًا فَعِلًا فِي مَتْنِي صَلَوَاتِهِ وَرَحْمَتِهِ أَحِبَّاءٌ وَأَمْوَالًا فِي يَوْمٍ يُبْعَثُونَ وَعَلَى الَّذِينَ آمَنُوا  
 عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِكَ عَضْبِي إِنَّهُمْ قَوْمٌ سَوْءٌ خَائِرُونَ وَعَلَى الَّذِينَ آمَنُوا سَلَامٌ وَمِنْ قَبْلِهَا مِنَ الْغُرَابِ  
 آمِنُوا وَارْحَمَهُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

طریق اخباری این طریق را مروج درین مقام  
 حکام ملا محمد امین اسر ابادی شد و گویند بعد از تحصیل علوم عقلی و فقهی که مراد بود و بعد از تقابل حدیث بدین نیز در کتاب  
 نواید بدین تصنیف کرد و در او در کتب سابقه که برای هدای کس در کتب سابقه که در کتب سابقه آورده بدین مطلب  
 و مقصد قضی معرفت خصوصیات میداد و مواد است و تعبیر ازین سخن در ایات کریمه بیان و البوم الاخر شده و حدیث ازین  
 و امام المتقین صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاد الطاهرین رحم الله امره عرف فریضه و زین این و لیا این درین معنی وارد شده و افاضل  
 در تحصیل این مقام چند فرقه شده اند که مخالف اصحاب وحی گویند و ایشان سوسکین گویند ازین جهت که در کلام در مسئله کلام  
 الفرة تطویل کلام کرده اند و در هر مخلصه می کرده اند و طایفه دیگر التزام کرده اند و ایشان سوسکین گویند از جهت که  
 ادب اهل ایشان در کتاب از سطوی فرشته در وقتیکه از سطوی در کسند شده بود و نزد و سخنانه سکندر میکرد در ان اسانف  
 علوم از سطوی میکردند و بکفرتمه دیگر تحصیل این مقام ریاضیات کرده اند پس طایفه ازین فرق التزام کرده اند که مخالف اصحاب وحی  
 گویند و این را صوریه منشرعین میگویند و طایفه دیگر التزام این کرده اند و ایشان سوسکین گویند از جهت که  
 استاد در سطوت تعلم تعلیم طریق ریاضت کرده و فرقه دیگر تحصیل این مقام از روی کلام اصحاب عصمت کرده اند و التزام این  
 کرده اند که در هر مسئله که ممکن باشد عاده که عقل در ان غلط کند متمسک با حدیث اصحاب عصمت شوند و ایشان را اخباری  
 میگویند و اصحاب اسطرلاب و علم الصلوات و اسلام یکی ازین طریق داشته و از همه اسلام ایشان را انهی کرده بودند ازین کلام



و کتاب از فوائد صنف اسمی بود لهذا نسخه مذکوره را که مملو از اصول هر طایفه و فروع و بدون از معتقدات جمع  
 ملا و نخل با تفصیل و التفریق است همه شاعت فوائد و از عت فراموش مایع حخت تا ممکنان از مطالعه آن حفظ  
 و انچه بهره گانند در ایند خانیچه خدین نسخه که درین دیار نظر در آمده خیا از تصحیف و تحریف و ختلاف عبارات  
 سقیم بوده پس به کمال جهد و مساعی از روی نسخه صحیح که در زمانه بهمان آباد و کتب استحصالی در آمده بود سکوک و  
 اغلاط را تا وسیع ممکن مندرج ساخته بمعرض تصحیح در آورده و علاوه اکثر لغات آن که بسبب اختلاف السنه  
 و مصطلحات بر فروع بدون رجوع بکتاب لغات اطلاق و ظاهر از آن و شور لهذا سهیلان را و افاده  
 لفظی بین از کتب معتبره لغات و تفصیل از علایق آن فرق مها کن تحقیق و تفسیح نموده بخاتم  
 این کتاب در چند اوراق علیحده منت نمود که بدینج لاطایل عریس معانی آن بمنصه اولک جلوه کرد و از بعد  
 بر آوردن نعمت چنان طریقی بنا نهاد که حرف اول را باب و حرف ثانی را فصل قرار داد و آن را بعد از کتب  
 لاحق باحت و پس از آن صحت نامه اغلاط و بعد از آن خطبه و ثبت نمود تا تجسان این رموز و محصلان

۱۰۲

این رموز با سائش فرایند منزه التوفیق

بالتحق و ارشاد و الهدایه الی

اصول و ابجد

۱۰۲۲



بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد علام الغیوبی که لوحه وجود بشر را در دستان تعلیم اسما بنفوش در الحقایق شیامنتس فرموده و عنوان  
 نهاد قابل ارشاد او را بر سر عشر و آینه‌ها من لدنا علماً معنون نموده و احدی که وحدت‌های اعتباری همه مستهلک در  
 اوست و کثرهای اختلاف مذاهب و مشارب مظاهر صفات او را **رباعی** همسایه و هم نشین و هم ره هم اوست در  
 کد او اطلس شهره اوست در انجمن فرقا و نظایر آن جمع با الله هم اوست ثم بالله هم اوست و مصلوق طبقات  
 نجیبات را کلمات شاد و روح مقدسه انبیا و رسل علی بنیاد و علیهم که هادیان سبیل و پیشروان طریق حق  
 گنبد **اما بعد** بنده احقر اضعف بوظیفه هیچ مدانی موقوف نذر اشرف در حضرت کشور خدایان قلم و تحقیق  
 و ادایک آریان شهرستان تدقیقات عرض میدهد که قادر علام و فیاض مقام جلت عظمت و نعمت رحمت  
 از اصناف انام را بمقتضای اسعاده نظری او میلان خاطر با اختیار طریقی خاص و ارتکاب ملتی با اختصاص  
 بخشیده تا گروهی بجله مشرفی محلل و قوی بند هیبت مذهبی مکل بوده مظاهر انوار کمال قدرت و جلال **صفت**  
 او باشد و بالهداه شناخت چنان انواع کونا کون و اصناف بوقلمون که مایه معرفت ذات حضرت الوهیت  
 بود وسیله نوز سعاد ابدی و نیل برکات اخروی است چه اقلاً از تحصیل زخارف معارف از تنگنای جهل  
 غفلت بوسعت اباد علم و معرفت برآمده از منافع موافقت و معاشرت و مواسات و مخالفت با یکدیگر **صفت**  
 و بهره ور باشند چنانکه روزی در این معنی بخدمت خداوند تعالی و سر در نوردان شدند آن جهان جوهر فردی زمره  
 ارباب حسان زین محفل کاردانی و کامکاری رونق انجمن قد و شناسی و بختیاری عالی هم رموز دان **صفت**  
 و حکم معالی منافع و لیم پیکی صاحب امت دوله علی سبیل الذکر سخن میرفت گذارش کردم که لحاظ اختلاف **عقاید**  
 چندین طرف فرق از موافق و مخالف خالی از تکلف و تصلف نیست الا آنکه کتاب دبستان مذاهب در جامعیت **عقاید**  
 اصناف و اعتقادات تمامی ملل و مخل عدیم المثل است ارشاد شد که نسخه برداشتن چنین کتاب سبب غلاط محمل **صفت**  
 و تاخلت الا آنکه در قالب طبع کشته شود چون امثال امر خدایکافی ممدوح و واجب و اهم و خالی از فوائد **اصناف**

عربی

سورة که در قرآن مجید است

از داد چنانچه بر شد با شد از جود و ظلم و کونید ابوبکر و عمر و عثمان و بنی امیه و عباسیه با یا و در آن خود غاصب  
ایمه معصوم بودند و ایشانرا نفرین کنند و بعضی از ایشان کونید که عثمان مصفا و خسته بعضی از سوره ها که در شان علی  
و فضل الش بود بر انداخت و یکی از آن سوره ها اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالنورین  
انزلناها سبلوان علیکم آیاتی و یحذر انکم عذاب یوم عظیم نوران بعضها من بعض و انا السميع العظیم ان الذین  
یوفون بعهد الله و دسوله فی آیات لام جنات نعیم و الذین کفروا من بعد ما امنوا بنقضهم میثاقهم و  
عاهدتم الرسول علیه یقذفون فی الحجیم ظلموا انفسهم و عصوا الوصی الرسول اولئک یلقون من جهنم ان الله  
الذی نور السموات و الارض بما شاء و اصطفی من الملائکه و الرسل و جعل من المؤمنین اولئک فی خلقه  
ما یشاء لا اله الا هو الرحمن الرحیم قد مکرو الذین قبلهم بسلام بن سلام فاخذتهم بکفرهم ان اخذی شدید الیم ان  
قد اهلك عاد و ثمود بما کسبوا و جعلهم لکم تذکره افلا تتقون و فرعون باطنی علی موسی و اخیه هارون عزیزته  
من تبعه اجمعین لیکون لکم آیه و ان اکثرکم فاسقون ان الله یجمعهم فی یوم الحشر فلا یستطیعون الجواب حسن  
ان الحجیم ثاویهم و ان الله عظیم حکیم یا ایها الرسول بلغ انذری فسیف یعلمون قد حضر الذین کانوا عن آیات  
و حکایم معضون مثل الذین یوفون بعهدک انی جزیتهم جنات النعیم ان الله لذو مغفرة و اجر عظیم  
ان علینا من المتقین و انا لنوفیه حقه یوم الذین نمانحن علی عن ظلمه بغافلین و کرمناه علی اهلک  
اجمعین فانه و زدیته لصابرون و ان عدوهم امام المحرمین قل الذین کفروا بعد ما امنوا طلبتم ذنبه  
الدنیا و استعجلتم بها و نیتتم ما وعدکم الله و دسوله و نقضتم العهود من بعد توکیدها و قد ضربنا لکم ال  
لعلم یقتدون یا ایها الرسول قد انزلنا الیک آیات بینات فیها من یوفیة مؤمننا و من یتولاه من بعدک  
یظنون فاعرض عنهم انهم معضون انا لهم محضون فی یوم لا یغنی عنهم شی و لا هم یرجعون ان لهم فی جهنم  
مقاما عنده لا یعدلون فبیح باسم ربک و کن من الساجدین و لقد ارسلنا موسی و هارون بما استخلفا فبقوا  
هارون فضرر جمیل فجعلنا من القرود و الخنازیر و لعنناهم الی یوم یبعثون فاصبر صریحا یلبون و لقد  
بک الحکم کا الذین من قبلک من المرسلین و جعلنا لک منهم وصیا لعلم یرجعون و من یتول عن امری فانی  
مرجعه فلیستمعوا لکفرهم قلیلا فلا تسال عن التاکیثن یا ایها الرسول قد جعلنا لک فی اعناق الذین امنوا عهدا  
و کن من التاکیثن ان علیا فانا باللیل ساجدا یحذر الآخرة و یرجو ثواب ربه قل هل یتوی الذین ظلموا  
بعد انی یعلمون سحیح لاعلال فی اعناقهم و هم علی اعمالهم یندمون انا بشر فاک ببدیته الصالحین و انهم  
لا یخلفون فاعلمهم منی صلواة و رحمة اجیاء و امواتا یوم یبعثون علی الذین یبعثون علیهم من بعدک عصبی  
قوم سوء خاسرین و علی الذین سلکوا مسلكهم منی رحمة و هم فی العزفات امنون و الحمد لله رب العالمین  
طریق اجنادین ابن طریق را مروج دین هشام ملا محمد امین استر ابادی شد و کونید بعد از تحصیل علوم عقلی و نقلی  
بکله مغفله





بسم الله الرحمن الرحيم

بی نام تو سر و در خفا لیبستان یاد تو بیایع خردان شیخ شهبان بی نام تو آگشته زبان کام عجم  
 هر چند بدانت کلام عربستان بیاید تو دل در بدن سالک و عارف شایسته آرام سر بر طربستان  
 بر راه که رشم بسر کوی تو پست مطلوب وجود تو هستی طلبستان دریاچه دریافت که دریافت جز این نیست  
 بود حق ادیب تو دکنی ایبستان درود نام محمد و پروردگوار حضرت وجود خورشید سوار سپهر شود و کیوان  
 بهرام پیشا در مجلس اختر نماید پرستار اورنگ پرای کشورستان دین دیهیم خدای دار الملک یقین  
 توانی که بگفتش از دپاک لولاک لما خلقت الافلاک آن عقل نخت و جان عالم آن آدم روح و روح آدم  
 و بر خلفای راشدین و حضرات ائمه دین باد عالم چو کتابت پر از دانش و داد صحاف قضا و جلد و بند  
 شیرازه شریعت و مذاهب اوداق است همه شاگرد و پیوسته استاد درین عالم موسوم بدستان لغنی از دانش  
 و کنش و کیش باستانی کرده و کشار و کردار بارز پسین انبوه از آشکارا شناسان و نهان پهن صورت است  
 و معنی گزین پی کم و کاست و بقی و حد و اثبات و ابطال گذارده اند و این نسخه مخموی گشت بر چندین مایه تعلیم



کردند و نجافت اورا ضعیف شدند صحابه این جمله کس را گفتند رضوانا یعنی ترک ما کردند و از ما جدا شدند  
 و برین وجه لقب ایشان را و افض گشت هجده کس اصحابه گفتند نصیبتم ابی بکر مفضل یعنی نصیب کردید  
 بخلاف ابو بکر را بی آنکه شمار افض باشد و بدین سبب لقب ایشان نوب آمد و هر یکی را ازین  
 دو مذهب دو نام شد کینا و را خود برای خود تعیین نمودند و یکی را خصم و دشمن برایشان گذاشت  
 همه صحابه خود را اهل ایمان و اهل سنت و جماعت نام کردند و این هفده تن ایشان را نوب خوانند  
 و خود را مومنین و شیعه نام کردند و سر امر صحابه ایشان را و افض و بعد از آن مذهب نوب بر پنجاه و پنج  
 فرقه شد و مذهب را و افض هجده فرقه که قوله کلمه فی النار الواحد و این یک فرقه از اهل نجافتند  
 زیرا که بر مذهب مستقیم اند و مذهب مستقیم است که توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد  
 ایمان دارند و هر پنج را تصدیق کنند بآنکه خداوند تعالی واجب است که یکی از زندگان خود را برگزیند و به  
 پیغمبری در رسالت فرستد تا بندهکان وافریدگان او را از راه راست خبر کند و این آگاه گشتندی  
 باید که معصوم باشد از صغایر و کبایر تا قول او حجت بود و پیغمبر که فرستاده خداست هم واجب است  
 که یکی را از امثال نجافت برگزیند تا بعد از وی بجای او باشد و این خلیفه هم باید که معصوم باشد از  
 صغایر و کبایر و برین خلیفه هم واجب است که یکی را نجافت خود برگزیند تا بعد از وی او باشد و همچنین  
 مرکز زوی زمین از امام خالی نباشد و بقیاس و رای و اجتهاد خود حکمی در شریعت روا نیست  
 و اجماع حجت نه مگر معصومی در میان باشد محمد صلی الله علیه و آله و علی را برگزید و وصی و خلیفه خود ساخت و علی بعد از  
 محمد صلی الله علیه و آله و آله را جید نسب و الهیاست و باقی ائمه معصومین که فرزندان اویند همچنین اول ایشان  
 و انجمن است آغازین و عدد ائمه نابراین اخباری دوازده است یازده تن گذاشتند و دوازدهم  
 ایشان پدیدار و قائم است انجام او ظهور کند و جبهان را پر کرد اندازد و ادخا کند پر شده باشد از  
 جور و ظلم گویند ابو بکر و عمر و عثمان و نبی امیه و عباسیه یا در آن خود عاصب حق ایله معصومین بودند  
 و ایشان را تقریب گنند و بعضی از ایشان گویند که عثمان مصاحف را سوخته بعضی از سوره ها که در شان علی  
 و فضل آتش بود برنجست و یکی از سوره امانیت بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا انما النورین

انزلنا ما يتلون عليكم اياتي ويذكر انكم عذب يوم عظيم نورا لبعضهما من بعض واما لسمع عليهم ان الذين  
يوفون بعهد الله ورسوله في اياتهم جات عليهم والذين كفروا من بعد ما آمنوا بنقضهم ميثاقهم وما عاهدتهم  
الرسول عليه يقيدون في الحميم فضلوا انفسهم وعصوا الوصي الرسول ولكن يسقون من حميم ان الله الذي  
نور السموات والارض ما يشاء واصطفى من الملائكة والرسل وجعل من المؤمنين اولئك في خلقه يفعل الله ما يشاء  
لا اله الا هو الرحمن الرحيم قد ذكر الذين من قبلهم برسولهم فاخذتهم بكرهم ان اخذى شديد اليم ان الله قد اهلك  
عادا وثمود بما كسبوا وجعلهم لكم تذكرة فلا تتقون وفرعون لما طغى على موسى واخيه هرون غرقته ومن تبعه اجمعين  
ليكون لكم اية وان اكثرتم فاسقون ان الله يجمعهم في يوم شرا فلا يستطيعون الجواب حين يسالون ان الله ما وهم  
وان الله عليهم حكيم يا ايها الرسول بلغ انذاري فسوف يعلمون قد خسر الذين كانوا عن اياتي وعلمي معرضون مثل  
الذين يوفون بعهدك اني جرتهم جات النعيم وان الله ذو مغفرة واجر عظيم وان الله للمتقين والمانوفه حليم  
الذين ما نحن عن ظلمه بغافلين وكرمه على اهلها اجمعين فانه ذرية لصابرون وان عدوهم امام الحجر من  
قبل الذين كفروا بعد ما امنوا طلبتم زينة الحياة الدنيا واستجتم بها وستم ما وعدكم الله ورسوله ونقضتم العهود  
من بعد بو كيد وقد ضربنا لكم الامثال لعلكم تهتدون يا ايها الرسول قد انزلنا اياتنا بينات فيها من توفيق  
موسى ومن يتولى من بعدك يظهر ان فاعرض عنهم انهم معرضون ان الله محضون في يوم لا ينفع عنهم شي ولا هم  
ان لهم في جهنم فلما عدلوا بعد ان فسج باسم ربك وكن من السابقين ولقد ارسلنا موسى هرون بها تتخلف فبعوا  
هرون فحسبوا حبلنا منهم القردة وانما زبر ولعناهم الى يوم يبعثون فاصبر وسوف يلقون ولقد ايتنا بك انكلم  
كالا الذين من قبلك من المرسلين وجعلنا لك منهم وصيهم لعدم رجوعهم ومن يتولى عن امرى فاني مرجع فليمتنعوا بكم  
قليلا فلا تسال عن الناكسين يا ايها الرسول قد جعلنا لك في اعناق الذين آمنوا عهدا فخذوه وكن من السابقين ان الله  
فانما بالليل ما يجد الاخرة ويرجو ثواب ربك قل ان يستوي الذين ظلموا وهم بعد ان يعلمون سيجعل الاغلال  
في اعناقهم وهم على اعمالهم يذمون انما شرناك بذرية الصالحين وانهم لا امرنا لا يكلفون عليهم منى صلوة ورحمة احياء  
وامواتا يوم يبعثون وعلى الذين يبعثون عليهم من بعدك غضبي انهم قوم سوء فاسرين وعلى الذين سلكوا  
منى رحمة وهم في الغرقات امنون واحمد سدر العالمين طريق اخبارين اين طريق المروج درين منكم

عوام بقدر آن بصورتی و بسامتی میکنند و همچنان از احوال معاصی و سبب از جنبت و جور و تصور و انوار و هیور و انوار باز نیاید محض از پیشتر است  
 از برای سخیه قلوب عوام کمالاً تمام اکثر میسر طایع ایشان باین امور پیشند و آنچه از سلسل و اعتقاد و دوزخ الهی می بخشند نیز از این قبیل است  
 و تحریف الظایفه است و این طبقه یعنی این حکام ازین دست رفت و اشارت دارند و متابعان شان گویند غرض این طبقه از فرار و دوری  
 بی روی نیست که حکمای کما مراند و ایشان فلاسفه آئینه و پاری جانهای دارند و کرده ای که قایل اند مجوس و معقول با حکام عقیده نیز  
 قایل اند و قایل شریعت نیستند ایشان صاحبیه گویند و فرقه که مجوس و معقول احکام عقنی دینی قایل اند و گویند شریعت خود بسند  
 معتبر کرد و نیز دانند و بعضی که قایل شریعت نفسی اند که بعضی ازها هر اتوال مخالف عقیده نماید مشهور است در این فرقه هندوان و یهود و مجوس و نصاری  
 و مسلمان و این هر پنج فرقه دعوی کنند که شریعت ایشان مویده است و بتایید شریعت خود نفس از بند عقیده خویشین پس از اینجا میدان نامه  
 باز نموده می آید که بعضی اعتراف میفرمودند که در عمل و عمل و کمال تبصره العوام که عقاید و مذاهیب باز نموده شد خالی از جانب روی نیست لا حرم نیست  
 این پوشیده می ماند دیگر لکن بعد از ایشان بسی کرده بهر سیدند بدین نحو است نوشتن این نامه پر داخت و در این که در استان عقیده  
 آباد از اعتقادات فرق مختلفه آنچه نگاشته اند از زبان صاحبان ان عقیده و کتاب ایشان است و در کده اش اشخاصی در هر حد فرقه  
 چنانکه معینان و مختصان تعظیم نام بر بندت نمود تا بوی تعجب و جانب روی نیاید و نام نگار از این کده اش خبر منصب ترجمان است  
 غرض نقشی است که ما باز ماند که هستی را نمی بینم نقاشی است با الراد الموسوم بدینسان فی بلدة طهران مع المراد و مجار النورانی  
 الهذرت معبر کفر فانی در راس ایام فانی افغانی غرضه محرم ۱۲۵۸



فصل الخطاب

في تعرفت كتابها من الامارات

حسين بن محمد بن النوري  
مطبعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَهْرَسْتًا فِي هَذَا الْكِتَابِ الشَّرِيفِ الْمَطَالِبِ الْكَلِمَاتِ

المقدمة الثانية	المقدمة الاولى
في بيان اقسام التغير الممكن حصوله	في ذكر الالفاظ التي وردت في جمع القران ووجوب
في القران وللمنع دخوله فيه	وسبب جمعها وكونه في معرض النقص بالنظر
في ذكر اقوال علماءنا في تفسير القران وعدة	الى كيفية الجمع وان تاليفها يخالف تاليف التوراة

الباب الاول

في ذكر ما يبدل او اسندوا به على وقوع التغير والتفصا في القران

**الدليل الاول** مركب من اموا ووقوع الحرف في التورية والابحاج بطر زحسين لطيف في ان كلما وقع في الامم السالفه يقع في هذه الامم في ذكره او اذ شبه فيها بعض هذه الامم بنظره في الامم السابقة مدحا او فدحا في اخبار خاصه فيها دلالة على كون القران كالنورية والابحاج في وقوع التغير فيه الثاني ان كيفية جمع القران مستلزة عادة لوقوع التغير والتغير في وفها حالها كتاب الوحي الثالث في ابطال وجوه منسوخ التلاوة وان ما ذكره مثلا لا يبدوان يكون مما نقص من القران الرابع في انه كان لا يمتنع من عليه التاخر انا مخصوصا بخالف الموجود في الترتيب فيه باذنه لثبوت الاحداث القديسه ولا من التفسير التاويل الخاص كان لعبد الله من مسعود مصحفا معتبرا فيه ما ليس في القران الموجود الخامس ان الوجوه غير مشتمل التام فاني مصحفا في التغير عندنا السابع ان بعضنا لما جمع القران ثانيا اسقط بعض الكلمات والايات وفيه كيفية جمع بعض ما اسقطه واخذ ما احفظه ما الخطا في كتاب القران في اجبا كثيرة والذمير بها على وقوع النقصان باذنه على ما رواها المخالفون التاسع انه نعم ذكر اسمي وصبا وشاملة في كنية المباركة السالفه فلا بد ان يذكرها في كتابه المهين عليها وفيه ما وصل اليها من ذكرهم في المصحف الاوتمال في جميع كتاب العاشرة لثبات القراءة في الحروف والكلمات وغيرها وابطال التورية على غير وجه واحد وفي شرح احوال القراء واثبات وجوه التلاوة اسانيد الحاشية في اخبار كثيرة والذمير بها على وقوع النقصان في القران عموما الثاني عشر في اخبار خاصة كتبت رتبناها على ترتيب سور القران وفيه ذكر الجواب عن سئالاتها اوردنا على الاستدلال بها **الباب الثاني** ذكر ادلة القائلين بعدم تقرب التغير مطم من الايات والاحكام والاعتناء والجواب عنها مفضلا وفيه ذكر وقوع الحرف في التورية ثانيا في عهد النبوة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 كتاب في بيان  
 في اثبات تحريف  
 في فصل الخطاب  
 هذا كتاب لطيف في سفر شريف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي انزل على عبده كتابا جعله ثقلا لما في الصدور ووهبنا على التوراة والانجيل والقرآن  
 والصلوة والسلام على حامله نور النور والبدن الرفيع المعور ومحل تدبير الامور وما لك ازمة النشور  
 محمد النبي في عالم السرور وادم صلواتنا عليه الشمال والذبور وعلى اله الصنف الناطق بكل  
 غائب مشهور والزهير المحنوت بما يكون اومضى في سالفات الدهور مصابيح الانام في ظلمات عالم  
 الغرور ومفاتيح خزانه العلم المسطور في ريق منشور خصوصا على مختلف الملائكة في الاصل واليكور  
 القطب الذي على مدار وجوده الاقلاك تندور المشرق نور في قلوب هو اليه المحجب عن عين كل عدو المشور  
 اليوم تنفتح في الصور ويبعث من في القبور **ومعك** يقول العبد المذنب المسمى حسين بن محمد بن يحيى  
 التوراة الطبرسي جعله الله تعالى من الواقيين بياية المتسكين بكتابه هذا كتاب لطيف في سفر شريف  
 علمته في اثبات تحريف القران وفصائح اهل الجور والعدوان وسببته فصل الخطاب في تحريف كتاب  
 رب الارباب جعلت له ثلث مقدمات بابين واوعدت فيه من بدايع الحكمة ما تقر به كل عين وارجو  
 من ينظر رحمه المسنون ان ينفعني به في يوم لا ينفع مال ولا بنون **المقدمة الاولى** في بيان  
 جاني جمع القران وجامعة سببته وزمانه وكونه في معرض طرق النقص والاختلاف بالنظر الى  
 كيفية الجمع مع قطع النظر عما يدل على تحققة وعده من الخارج وان نال فيه مخالفا ليقول المؤلفين  
 ونصبت المصنفين قال الله بئارك وتعالى شهر مضيا الذي انزل فيه القران وقال تعالى انا انزلنا

ظاه مظيين مسووه وجوهكم فيؤخذ بهم ذات الشمال لا يسنون فطره ثم ترد على رايه فرعون هذه  
الامة فاقوم فاخذ بيده فزحف قدما ورسو وجهه وجواصحابه فاقول ما فعلتم بالثقلين فيقولون  
اما الاكبر فزفنا واما الاصغر فزنا منه فقول ردوا ظاه مظيين مسووه وجوهكم فيؤخذ بهم ذات الشمال  
لا يسنون فطره ثم ترد على رايه ذي التدينه معها اول خارجة واخرها فاقوم فاخذ بيده فزحف قدما ورسو  
وجهه وجواصحابه فاقول ما فعلتم بالثقلين بعد فيقولون اما الاكبر فزفنا واما الاصغر فزنا منه  
واعنا فاقول ردوا ظاه مظيين مسووه وجوهكم فيؤخذ بهم ذات الشمال لا يسنون فطره ثم ترد  
رايه امير المؤمنين سيد المسلمين وامام المتقين قائد الغر المحجلين فاقوم فاخذ بيده فينبض وجهه  
اصحابه فاقول ما فعلتم بالثقلين بعد فيقولون اما الاكبر فانبعنا واطعنا واما الاصغر ففاننا معه  
فقلنا فاقول ردوا راء مرويتين مبيضة وجوهكم فيؤخذ بهم ذات اليمين وهو قول الله تعالى يوم ينفض  
وجوه وتسو وجوه واما الذين اسوت وجوههم الكفر ثم بعد بما انكم قد قوا العذاب بما كنتم تكفرون  
واما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون وانما ذكرنا تمام الخبر ثلثا مبرا كما يذكر مثالب  
الفوم من ائمة الراشد بن من لسان الخالفين وياتي انشاء الله ان الظاهر من الخريف مخرب اللفظ  
لا المصحح صاحب كتاب بسنن المذاهب بعد ذكر عقايد الشيعة ما معنا وبعضهم يقولون ان عثمان  
لم يوافق المصاحف واللفا السو التي كانت في فضل على اهل بيته عليهم السلام هاهنا هذه السورة **الرحمن الرحيم**  
**يا ايها الذين امنوا ايمنا بالانورين انزلناها لتلوان عليكم اياتي ومجدد انكم عذاب يوم عظيم**  
**توران بعضهم من بعض وانا السميع العليم ان الذين يوفون ورسو في اياتهم جنات نعيم**  
**والذين كفروا من بعد ما امنوا يفضيهم ميثاقهم وما عاهدتهم الرسول عليه بقدر فون في الجحيم**  
**ظلموا انفسهم وعصوا الوصي الرسول واولئك يتيقون من حيم ان الله الذي نور السما والارض**  
**بما انشاء واصطفى من الملائكة وجعل من المؤمنين اولئك في خلفه بفعل الله ما يشاء لا اله**  
**الا هو الرحمن الرحيم فذكرنا الذين من قبلهم برسلهم فاخذهم بمكرهم ان اخذني شديد اليم**  
**ان الله قد هلك عاد او ثمود ليا كسبوا وجعلهم لكم تذكرة فلا تتقون وفرعون بما طغى على**  
**موسى واخيه فرقد اعرفه ومن تبعه اجمعين ليكون لكم اية وان اكثرتم فاسفون ان**  
**الله مجيبهم في يوم الحشر فلا يستطعوا الجواب حين يسئلون ان الحجيم ما واهم وان الله علم حكيم**

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ أَنْذَارِي فَمَنْ يَعْلَمُونَ فَلَخَسِرَ الَّذِينَ كَانُوا عَنِّي وَحَكِي مَعْزُونًا مِثْلَ  
 الَّذِينَ يَوْمُونَ بِعَهْدِكَ أَلَيْسَ جَنَابُ النَّعِيمِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ عَظِيمٍ وَإِنَّ عَلِيًّا مِّنَ  
 النَّاقِثِينَ وَإِنَّا لَنُوفِيهِ حَقَّهُ يَوْمَ الَّذِينَ مَا نَحْنُ عَنْ ظَلْمِهِ بَغَائِلِينَ وَكَرَّمْنَا هُ عَلَى أَهْلِكَ أَجْمَعِينَ فَإِنَّهُ  
 وَذُرِّيَّتَهُ لَصَابِرُونَ وَإِنَّ عَدُوَّهُمْ إِمَامَ الْمُجْرِمِينَ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ مَا آمَنُوا أَطْلَبْتُمْ  
 زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاسْتَجَلْتُمْ بِهَا وَنَسِيتُمْ مَا وَعَدَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَنَقَضْتُمْ الْعَهْدَ  
 مِنْ بَعْدِ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ نَزَّيْنَاكُمْ فِي الْأَمْثَالِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ قَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ  
 آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فِيهَا مَن يُوْفَاهُ مُؤْمِنًا وَمَنْ يَنْوَلِيهِ مِنْ بَعْدِكَ يُظْهِرُ فَاغْرَضُوا عَنْهُمْ أَنَّهُمْ مَعْزُونُونَ  
 أَنَّهُمْ لَمْ يُخْضَرُونَ فِي يَوْمٍ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ شَيْءٌ وَلَا هُمْ يُرْجَوْنَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي جَهَنَّمَ مَقَامًا عَذَابًا لِّالْمُتَعَدِّينَ  
 فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ ذِكْرًا مِنَ السَّاجِدِينَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَقَارُونَ بِمَا اسْتَخْلَفَ فَبَغَا هُرُونَ  
 فَصَبَّرْهُمْ لِمَجْعَلْنَا مِنْهُمْ الْفِرْقَانَةَ وَالْحَازِرَةَ لَعَنَّا هُمْ إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ فَاصْبِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ  
 وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْحُكْمَ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ مِنَ الرُّسُلِينَ وَجَعَلْنَا لِكَ مِنْهُمْ وَصِيًّا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ  
 وَمَنْ يَنْوَلِيهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ فَمَا يَكْفُرُ هُمْ فَلَيْسَ لَهُمْ قَوْلٌ وَلَا نَسْتَلُ عَنْ النَّاقِثِينَ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ  
 قَدْ جَعَلْنَا لَكَ فِي أَعْيُنِ الَّذِينَ آمَنُوا عَهْدًا تُخَدُّهُ وَكَانَ مِنَ الشَّاكِرِينَ إِنَّ عَلِيًّا قَانِشًا بِاللَّيْلِ  
 سَاجِدًا لِحَدْرَةِ الْأَخِيَّةِ وَبِهِ جُودٌ وَثَابٌ رَبِّيهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ ظَلَمُوا وَهُمْ يَنْدَابِي يَعْلَمُونَ بِسَجْعَلِ  
 الْأَغْلَالِ فِي أَعْيُنِهِمْ وَهُمْ عَلَى أَعْمَالِهِمْ يَنْدَبُونَ إِنَّا بَشَرْنَا لَكَ بِذُرِّيَّةِ الصَّالِحِينَ وَأَنَّهُمْ لَأَمْرٌ لَا  
 يَخْلِفُونَ فَعَلِمْتُمْ مَنِي صَلَوَاتٍ وَرَحْمَةٍ أَحْيَاءٌ وَأَمْوَاتًا يَوْمَ يَبْعَثُونَ وَعَلَى الَّذِينَ يَبْعَثُونَ عَلَيْهِمْ  
 مِنْ بَعْدِكَ غَضَبٌ إِنَّهُمْ يَوْمًا سَوْءٌ خَائِبِينَ وَعَلَى الَّذِينَ سَلَكُوا مَسَلَكَكُمْ مَنِي رَحْمَةٍ وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ  
 آمِنُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلَمَّا ظَهَرَ كَلَامُهُ أَنَّهُ أَخَذَهَا مِنْ كِتَابِ الشَّيْخِ وَلَمْ أَحْبِبْهَا أَثَرًا  
 فِيهَا عِنْدَ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَهْرِ شَوَّابِ الْمَازِنِيِّ ذَكَرَ فِي كِتَابِ الْمَثَالِبِ عَلَى مَا حَكَى عَنْهُمْ  
 اسْفُطُوا مِنَ الْقُرْآنِ ثَمَّ سُورَةُ الْوَلَايَةِ وَلَعَلَّهَا هَذِهِ السُّورَةُ وَاللَّهُ الْعَالِمُ سَطُّ عَلَى عِلِّيِّ بْنِ أَبِي  
 كَشَفَ الْغَمَّ عَنْ طَرِيقِ الْعَامَّةِ عَنْ زَيْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَتَبَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَيْهَا  
 الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ نَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ سَأَلَتْهُ وَاللَّهُ  
 يَعْلَمُكَ مِنَ النَّاسِ الشَّيْخُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ الْفَقِيهَ فِي الْمَنَافِعِ الْمَأْمُورِ مِنْ طَرِيقِ الْمُخَالَفِينَ



order, from him I will turn, they get but little benefit from their unbelief. Do not ask about those who break the law.

“O Prophet! We have made for thee a compact on the neck<sup>1</sup> of those who believe; possess it and be of the number of those who are thankful.

“Truly, ‘Ali is constant in prayer at night making the prescribed prostrations -(sájidan), and he fears the Last Day and hopes for mercy from his God.

“Say, how can those be compared who make tyranny, and those who know my troubles. They will place charms on their necks and they will repent of their works.

“We gave good news to thee of pious descendants, and they will not be disobedient; my peace and my mercy is on them, living or dead, and on the day when they shall rise again. My anger is on those who after thee transgress amongst them. Truly, they are a bad people and will wander from the right way; but those who go on in the way, on them is my mercy and they will be safe in the lofty rooms (of Paradise).

“Praise be to the Lord of both worlds. Amen.”

The following is the Arabic text of this Súra, which is known as Súratu'n Núrain.

سورة النورين اثني واربعين آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِالذُّورَيْنِ أَنْزَلْنَا هُمَا يَتْلُوَانِ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُحَذِّرَانِكُمْ  
عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ نُورَانِ بَعْضُهُمَا مِنْ بَعْضٍ وَإِنَّا لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ  
يُؤَدُّونَ بَعْدَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ فِي آيَاتٍ لَهُمْ جَدَّتْ نَعِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَعْدِ  
مَا آمَنُوا يَنْقُصِيهِمْ مِثْقَاتِهِمْ ۝ وَمَا عَاهَدَهُمُ الرُّسُولَ عَلَيْهِ يَقْدِفُونَ فِي الْجَبْهِيمِ ۝

<sup>1</sup> i.e., they must keep it.

ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَعَصَوْا أَوْصِيَ الرَّسُولِ ۖ أُولَئِكَ يَسْقُونَ مِنْ حَمِيمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ الَّذِي  
نَوَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِمَا شَاءَ ۖ وَأَصْطَفَىٰ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّسُلِ ۖ وَجَعَلَ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ ۚ أُولَئِكَ مِنْ خَلْقِهِ ۖ يَفْعَلُ اللَّهُ بِأَيْشَاءَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۚ  
قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ بِرُسُلِهِمْ ۖ فَآخَذْتَهُمْ بِمَكْرِهِمْ ۚ إِنَّ أَخَذْتَهُمْ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۚ  
إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ عَادًا وَثَمُودَ بِمَا كَسَبُوا وَجَعَلَهُمْ لَكُمْ تَذْكِرَةً ۖ فَلَا تَتَّقُونَ ۚ  
وَفِرْعَوْنَ بِمَا ظَغَىٰ عَلَيَّ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ هَارُونَ ۖ وَأَغْرَقْتَهُ ۖ وَمَنْ تَبِعَهُ أَجْمَعِينَ ۚ  
لِيَكُونَ لَكُمْ آيَةً ۖ وَإِنْ أَكْفَرْتُمْ فَيَسْقُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُهُمْ يَوْمَ الْحَشْرِ ۖ  
فَلَا يَسْتَطِيعُونَ الْجَوَابَ حِينَ يُسْأَلُونَ ۚ إِنَّ الْجَحِيمَ مَأْوَاهُمْ ۖ وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
حَكِيمٌ ۚ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ۖ إِنْ دَارَىٰ فَسَوْفَ يَعْمَلُونَ ۚ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَانُوا عَنْ  
آيَاتِي وَحُكْمِي مُعْرِضُونَ ۚ مَثَلُ الَّذِينَ يُؤُفُونَ بِعَهْدِكَ إِنْ جِزَيْتَهُمْ جَزَاتِ  
النَّعِيمِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ عَظِيمٍ ۚ وَإِنْ عَلَيَّا لَمَنْ الْمُتَّقِينَ ۚ وَإِنَّا  
لَنُوفِيهِ حَقَّهُ يَوْمَ الدِّينِ ۚ وَمَا نَحْنُ عَنْ ظُلْمِهِ بِغَافِلِينَ ۚ وَكَرَّمْنَا عَلَيَّ أَهْلَكَ  
أَجْمَعِينَ ۚ وَآنَهَ وَذُرِّيَّتَهُ لَصَابِرُونَ ۚ وَإِنْ عَدَوْهُمْ إِمَامَ الْمُجْرِمِينَ ۚ قُلْ لِلَّذِينَ  
كَفَرُوا بَعْدَ مَا آمَنُوا طَلِبَتُمْ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَأَسْتَعْجَلْتُمْ بِهَا وَنَسِيتُمْ مَا وَعَدَكُمْ  
اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۚ

وَنَقَضْتُمْ الْعَهْدَ مِنْ بَعْدِ تَوْكِيدِهَا ۖ وَقَدْ ضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ لَعَلَّكُمْ  
تَهْتَدُونَ ۚ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ قَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ فِيهَا مِنْ نُبُوَّةِ مُؤْمِنًا ۗ  
وَمَنْ يَتَوَلَّهُ مِنْ بَعْدِكَ يُظْهِرُونَ ۚ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ ۖ إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ ۚ إِنَّا لَهُمْ  
مُحْضِرُونَ ۗ فِي يَوْمٍ لَا يَغْنِي عَنْهُمْ شَيْءٌ وَلَا هُمْ يَرْجِعُونَ ۚ إِنَّ لَهُمْ فِي جَهَنَّمَ مَقَامًا ۗ  
عَنْهُ لَا يَعْدِلُونَ ۚ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۚ وَتَقَدَّرَ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ

وَهَارُونَ ۖ بِمَا اسْتَخْلَفَ ۖ فَبَغَوْا هَارُونَ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ فَجَعَلْنَا مِنْهُمْ الْفِرْدَوْسَ  
 وَالْخِزْيَانِيزَ وَلَعْنَاهُمْ إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ۗ فَاصْبِرْ نَسُوفَ يَبْلُغُونَ ۗ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَكَ الْحُكْمَ  
 كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۗ وَجَعَلْنَا لَكَ مِنْهُمْ وُصِيًّا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۗ  
 وَمَنْ يَتَوَلَّ عَنْ أَمْرِي فَإِنِّي مُرْجِعُهُ ۖ فَلْيَتَمَتَّعُوا بِكُفْرِهِمْ قَلِيلًا ۖ فَلَا تَسْأَلْ عَنِ  
 النَّارِ كَثِيرِينَ ۗ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ قَدْ جَعَلْنَا لَكَ فِي أَعْيَانِ الَّذِينَ آمَنُوا عَهْدًا ۖ فَخُذْهُ  
 وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۗ إِنَّ عَلَيْنَا فِئْتَانًا بِاللَّيْلِ سَاجِدًا ۖ يُحَذِرُ الْآخِرَةَ وَيُجِوُّ ثَوَابَ  
 رَبِّهِ ۖ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ ظَلَمُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۗ سَيُجْعَلُ الْأَخْلَافُ  
 فِي أَعْنَاقِهِمْ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ أَعْمَالِهِمْ يَنْدِمُونَ ۗ إِنَّا بَشَرْنَاكَ بِذُرِّيَةِ الصَّالِحِينَ ۗ  
 وَإِنَّهُمْ لَأَمْرًا لَآيْخُلُقُونَ ۗ فَعَلَيْهِمْ مِنِّي صَلَوةٌ وَرَحْمَةٌ وَأَحْيَاءٌ أَوْ أَمْوَاتًا وَيَوْمَ  
 يَبْعَثُونَ ۗ وَعَلَىٰ الَّذِينَ يَبْغُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِكَ غَضَبِي ۖ إِنَّهُمْ قَوْمٌ سُرْعٍ  
 خَاسِرِينَ ۗ وَعَلَىٰ الَّذِينَ سَلَكَوا مَسَلِكَهُمْ مِنِّي رَحْمَةٌ ۖ وَهُمْ فِي الْعَرَفَاتِ  
 آمِنُونَ ۗ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۗ آمِينَ \*

تَمَّتْ

Mirzá Kázim Beg, to whose researches we are indebted for a copy of this Súra in the original Arabic, does not believe in its genuineness. He looks upon it as a feeble imitation of the Qurán, invented by a fanatical Shí'ah, after religious quarrels had absorbed the attention of the 'Ulamá of the two rival sects. He says that there is no authentic tradition about it, that no author in the earlier centuries mentions it, and that the name even was not heard of until the 7th century A.H. He admits that it is quite possible that unimportant changes may have been made in the early recensions, but declines to believe that a whole Súra was discarded. Even assuming that 'Uṣman did not wish that anything favourable to 'Ali should appear, it was not necessary to omit a whole Súra. The omission of

a few phrases would have served his purpose just as well. He considers the whole chapter, with the exception of the words and expressions favourable to 'Ali and his family, to be simply a compilation from various parts of the Qurán. Some words and phrases have been altered, some borrowed literally and the result of the whole is that the style is very inferior to that of the Qurán itself. This statement he supports by a comparison of expressions used in this Súra and also found in the Qurán.<sup>1</sup>

M. Garcin de Tassy, in a footnote to Mirzá Kázim Beg's article, expresses the great joy he feels at the discovery of this unknown Súra,<sup>2</sup> and he evidently considers that it is not to be lightly set aside. He thinks that there is nothing improbable in the idea that it was recited by Muḥammad and that it formed part of 'Ali's copy; but he does not consider himself bound to uphold its authenticity, while on the other hand he declines to say that it is a forgery. He very

<sup>1</sup> The following are some examples:—

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيَكْذِبُونَكُمْ Súra xxxix. 136; يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ Súra xxi. 8; جَنَّاتِ النَّعِيمِ Súra xxxix. 15; عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ 51;  
 قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ سúra iii. 40; يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ Súra iv. 63;  
 وَإِنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ Súra xxii. 105; إِنَّ أَخَذْنِي شَدِيدُ آلِيمٍ Súra vi. 26; مِنْ قَبْلِهِمْ  
 وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ Súra xii. 18; فَصَبْرٌ جَمِيلٌ Súra iii. 12; قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا Súra v. 59;  
 قَاتِنًا بِاللَّيْلِ Súra xxxix. 10; فَلْيَتَمَتَّعُوا بِكُفْرِهِمْ قَلِيلًا Súra-v. 62; الْفِرْدَوْسِ وَالْخَبَابِرِ  
 سَيَجْعَلُ Súra xxxix. 19; يَسْتَوِي الَّذِينَ ظَلَمُوا الخ Súra xxxix. 18; سَاجِدًا يَكْذِبُ الخ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ Súra xxxvi. 21; فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ Súra xxxvi. 37; الْأَعْلَاقِ فِي أَعْنَاقِهِمْ  
 رَبِّ الْعَالَمِينَ end of Súras xxxvii and xxxviii.

<sup>2</sup> Je suis charmé d'avoir appelé l'attention des orientalistes sur le chapitre du Coran inconnu jusqu'à l'époque où je le publiai, l'an passé, pour la première fois,